

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی

۱۳ اگست ۲۰۲۳



نعیم سلیمی

برخورد دوگانه و متناقض جامعه جهانی در مورد "تجزیرات"

جامعه جهانی و قوانین بین المللی برخاسته از آن چه عجیب مصیبت اند. مثلاً قانون بین المللی تجزیرات را مانند افزار و فنون جنگی به رسمیت شناخته و استفاده از آن را در کشتارگاه شورای امنیت ملل متحد به مثابه آشپانه دیپلوماسی دزدان امپریالیستی جایز می پندارد؛ آنچه را درینمورد یاد آوری نمودم دقیقاً میان سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ در جنگ علیه عراق اتفاق افتاد و در این جنگ جهانی شورای امنیت با تمام بیشرمی تجزیرات کشنده علیه ملت و مردم عراق را مدیریت نمود که در حقیقت امر نمی توان آن را چیز دیگری بیش از یک پالیسی جینوساید و نسل کشی مبتنی بر امحاء تمامی اساسات ساختار زندگی اجتماعی و اقتصادی عوام الناس این کشور تلقی نمود که از یک تفسیر نادرست، دوگانه و غیر منطقی آن شورا در زمینه نشأت می نماید.

به طور خلاصه باید یاد آور شوم که در نتیجه وضع این تجزیرات در دهه نود، بیشتر از پنج صد هزار از اطفال عراقی بنا بر عدم دسترسی به مواد غذایی مکفی و سوء تغذیه به هلاکت رسیدند و در آنزمان خانم مادلین البرایت سفیر و نماینده فوق العاده رئیس جمهور کلینتون در ملل متحد که بعداً به سمت وزیر خارجه امریکا ارتقا پیدا نمود طی مصاحبه با یک خبرنگاری بنام لاس لی ستال با طرح سؤالی از جانب شخص خود البرایت که « آیا بهای ارزش این کار را داشت » با حاضر جوابی گفت که « ... من فکر می کنم که چنین کاری ناشی از یک انتخاب دشوار است؛ اما راجع به بهای آن ما فکر می کنیم ارزش چنین قیمتی را داشت. » (نعیم سلیمی، معیار سنجش اخلاقی ارزش در جهان سرمایه داری، نشریه چاپی سیاسی افغانستان آزاد – آزاد افغانستان، ۲ جنوری ۲۰۱۹)

قبل از ای نکه به جزئیات بیشتر بررسی مشارکت جهانی جرمی جینوسایدی جامعه جهانی بپردازم، لازم می داند تا ماهیت و سرشت جامعه جهانی و قانون بین المللی را که توأم با گناه پا به عرصه وجود گذاشته است از زبان برخی از متخصصان و حقوقدانان خود این جامعه توضیح نمایم که برای درک درست مطلب ما را درین راستا یاری می نماید.

فیلیپ آلات، پروفیسور متقاعد و افتخاری حقوق عامه بین المللی در دانشگاه کیمبریج در مورد ریشه شناسی و مصیبت شناسی جامعه جهانی چنین می نویسد: « ما گردهم آمده ایم تا یک سیستم بین المللی را که ما بعد جامعه فئودالی بوده و

با رنگ عنبرین نگارش یافته است داشته باشیم. این خود یک سیستم غیردموکراتیک و ضداجتماعی می باشد که در آن دولت ها به اصطلاح "روابط بین المللی" را به نام منفعت ملی از طریق تمرین قدرت به منظور عملی نمودن سیاست خارجی توسط برگزاری ذرایع دیپلوماسی که در سرگرمی های قرون وسطی آن را "جنگ" می نامیدند و با تعبیر اسفناک مدرن آمیخته با حسن برداشت امروزی اسم "تشنج های مسلحانه" را به آن گذاشته اند ، عملی می نمایند. چنین است ماهیت پروسه اجتماعی جامعه بین المللی که در آن از جامعه خبری نیست. « (فیلیپ آلات ، حقوق بین المللی و انقلاب جهانی : آستن مجدد جهان / ۱۰۸۹ / ۱۰)

توماس مارتین فرانک پروفیسور حقوقدان و متخصص دیگری در مسایل مربوط به حقوق بین المللی نیز در تأیید از دیدگاه فیلیپ آلات به این باور می باشد که « جامعه عبارت از تجمع و مجمعی است که به مرحله انکشاف پیشرفته آن رسیده باشد » (ژورنال شماره ۹۶۲ اروپائی حقوق بین المللی، جلد دوم / ۲۰۰۲ / صفحات ۹۶۱ - ۹۹۲)
بناءً با جمع نمودن این دودیدگاه به این نتیجه می رسیم که جامعه جهانی نیز مانند جوامع مدنی دستاورد و یا فتوحات مرحله پیشرفته تری از تاریخ یعنی که ساختار سرمایه داری می باشد که علی رغم پیش قراول بودن آن در دوره بندی های تاریخ بشر از همان آغاز نطفه آلوده معصیت استثمار و بهره کشی انسان از انسان را با خود حمل نموده و می نماید .

تجزیرات در واقعیت امر عبارت است از یک عملیه کشتاردستجمعی و نسل کشی بوده که بیشتر از همه سلاح سلاخی دلخواه امپریالیزم ایالات متحده امریکا علیه سایر کشور ها ، مردمان و ملت ها می باشد.
به طور مثال بعد از بیرون شدن امریکا از معامله هسته ئی امریکا / ایران (بر جام) و با از سرگرفتن تجزیرات به دنبال آن قصر سفید اعلان نمود که هدف امریکا عبارت از این است که " صادرات ایران را به نقطه صفری برساند." همچنان قصر سفید تلویحاً بالای کشور هائی چون هند ، چین ، کوریای جنوبی ، جاپان ، ترکیه فشار وارد نمود تا نفت ایران را وارد ننمایند؛ چنین امری در واقعیت صدور فرمان و دستور بالای کشور های دارای حاکمیت ملی و مستقل می باشد که با کی تجارت و داد و ستد کنند و با کی نکنند . سخن صرفاً در اینجا و با دیکته کردن خلاصه نمی شود ، بلکه ایالات متحده امریکا از آنهم کرده فراتر رفت و مقامات کاندائی را وادار نمود تا یک مقام بلند پایه (رئیس مالی کمپانی تیلی کام Huawei) را به نام مینگ ونزو ، توقیف و بازداشت نمایند . چگونگی وقوع این ماجرا واقعا دلچسپ است ، زیرا برای این که امریکا دنیا و مردم چین را متقاعد ساخته باشد که بالای آنها دیکته نمی نماید، کشور ثالث را که کانادا است دخیل می سازد .

یک اقتصاددان شناخته شده ای به نام مارک وایزبرات در رابطه گذشته های تاریخی تجزیرات امریکا علیه ایران در یک نشریه ای به نام Real News Network می نویسد « زمانی که تجزیرات در ۲۰۱۲ وضع گردید ، تولیدات مواد نفتی به ۸۳۲۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافت و درآمد محصولات خالص به ۷.۷ درصد رسید؛ و زمانی که تجزیرات در ۲۰۱۶ حین حصول موافقتنامه بر جام برداشته شد ، تولیدات مواد نفتی به ۹۷۲۰۰۰ بشکه در روز ارتقا نمود و درآمد محصولات خالص ۱۲ درصد ازدیاد را در همان سال کسب نمود و زمانی که در ۲۰۱۸ تجزیرات دوباره وضع گردید ، محصولات نفتی به طور سرسام آوری دوباره کاهش یافت و انفلاسیون ۵۱ درصد افزایش پیدا نمود .
تحقیقات دانشگاه کالیفرنیا در راستای این تجزیرات از کمبود برخی از اقلام ادویه های ضروری در ایران ، گواهی می دهد که خود نتیجه و پیامد مستقیم این تجزیرات می باشد .

در آغاز این جستار به موضعگیری قصر سفید مبنی بر تقرب ایران به نقطه صفری اشاره گردید؛ حال درین بخش سعی می گردد تا طرح چنین دیدگاهی را از جانب قصر سفید مورد بررسی بیشتری قرار دهیم. Justin Podur نویسنده انستیتوت "وسایل اطلاعات جمعی مستقل" بدین باور است « هر کشوری که ضرورت به صادرات و واردات نداشته باشد به نام خود کفاف یا Autarky نامیده می شود و در اقتصاد امروزی جهانی هیچ کشوری خود کفاف نمی باشد. تمامی اقتصاد های ملی به تجارت وابستگی دارند:

آنها صادر کننده هستند ، اسعار خارجی را به دست می آورند و آن را به منظور وارد نمودن آنچه که نمی توانند تولید نمایند مورد استفاده قرار می دهند . کشاندن صادرات یک کشور به نقطه صفری به معنای تخریب اقتصاد آن کشور از یکطرف و محروم سازی مردم آن از نیازمندی های مورد ضرورت شان می باشد.» (تعزیرات نسل کشی بوده و سلاح دلنشین ایالات متحده آمریکا می باشد ؛ نویسنده Justin Podur : ، نشریه شبکه زی نت ، ۱۹ جون ۲۰۱۹)

بلی خواننده گرامی!

حقیقتاً هم چنین است که آن را جستین پاجر وضاحت می دهد و درست به همین دلیل " تخریب همگانی " و " محروم سازی عموم مردم " که وجه تشابه براننده میان جینوساید و تعزیرات را تشکیل می دهند، می توان اخیرالذکر را در ردیف عمل نسل کشی انسانی در کشور های متفاوت قرار داد که از تفسیر متناقض جامعه جهانی درین مورد سرچشمه می گیرد.

برخی اوقات در مناسبات بین المللی از تعزیرات به مثابه سلاح بدیل گونه در عوض جنگ استفاده می گردد که در سر آغاز این مقال به آن اشاره شد ؛ آنچه را که در مقایسه جنگ و تعزیرات درین رابطه می توان یاد آور شد این است که مجزا از میزان سنجش دقیق مهمات و تسلیحات جنگی و قدرت تخریبی آنها ، تعزیرات عبارت از سلاحی می باشد برای ایجاد و گسترش فقر و گرسنگی که ضعیف ترین و آسیب پذیر ترین لایه های اجتماعی را با آهستگی و مرگ درد آلود و تدریجی از طریق عدم دسترسی به غذا و ادویه ضروری هدف قرار می دهد ؛ جالبتر از همه این است که خلاف آزمایش بمب ها و یا هجوم قطعات پیاده در جنگ ها ، تعزیرات خطر و ریسک ناچیزی را به نیرو های تجاوز گر به بار می آورد .

نکته دیگری را که امروز ما در رجز خوانی و برخورد دوگانه جامعه جهانی در رابطه با تعزیرات مشاهده می نمایم این است که وضع تعزیرات یکجانبه از جانب امپریالیزم ایالات متحده آمریکا علیه سایر کشور های جهان تمامی پرنسیپ های حقوقی خود این جامعه را زیر پای می نماید. به عبارت دیگر درینجاست که جامعه جهانی به مثابه قسمتی از سکرتریت وزارت خارجه آمریکا نقش ایفا نموده و شورای امنیت در واقعیت مانند قوت های جلب و احضار وزارت دفاع این کشور (پنتاگون) در زمینه دیپلوماسی جهانی عمل می نماید .

ادریس جزایری راپورتر خاص ملل متحد درمورد تدابیر تعزیرات اجباری درنشریه Real News خاطرنشان ساخت که « یک چهارم جمعیت جهان به نحوی زیر تأثیر تعزیرات یکجانبه به سر می برد . ایران ، ونزوئلا ، سوریه ، کوبا ، سودان و دیگران تحت رژیم متنوع تعزیرات ایالات متحده آمریکا ، قرار دارند . یمن به طور کامل در محاصره ایالات متحده آمریکا ، انگلستان و عربستان سعودی موقعیت پیدا نموده ؛ غزه و ساحل غربی فلسطین کاملاً در حصار اسرائیل قرار دارد ؛ قطر از جانب عربستان سعودی و امارات متحده عربی حلقه گردیده است »

در صفحات قبلی یکجا با هم نمونه مثال های جینوساید را با تفسیر و تفصیل بیشتری در مورد عراق در دهه ۹۰ خواندیم و تلفات انسانی ناشی از آن را با یک اجمال کلی مرور نمودیم ؛ درین بخش سعی به عمل می آید تا تطبیق این نسخه منسوخ و کشنده را در مورد ونزوئلا به بررسی و نمایش بگیریم:

تجزیرات ایالات متحده آمریکا علیه کشور ونزوئلا جان چهل هزار انسان را میان سال های ۲۰۱۷ الی ۲۰۱۸ گرفته است ؛ حسب راپوری که از جانب مارک وایز برت و ساکس جفری پژوهشگر یونیورسیتی کلمبیا مشترکاً ترتیب گردیده، چنین پیشبینی می گردد که تجزیرات تعداد زیاد دیگری از آدم ها را درین کشور به هلاکت می رساند ؛ شبکه برق رسانی ونزوئلا با سابوتاژ های ناشی از تجزیرات امریکا خسارت مند گردیدند ؛ ترمیم و نگهداشت پمپ های آب آشامیدنی بدون وارد نمودن اجزای جداگانه آن از بیرون ، غیر ممکن گردیده است که میلیون ها انسان را از دسترسی به آب آشامیدنی محروم می سازد ؛ یک پروفیسور اقتصاد ونزوئلا به نام Pasqualina Curcico طی صحبت با یک هیأت ائتلافی " تجزیرات را پایان دهید " خاطر نشان ساخت که تجزیرات « خساراتی را به ارزش ۱۱۴ میلیارد دلار بر پیکر اقتصادی این کشور وارد نموده که یکساله عاید سرانه خالص آن را با در نظر داشت قیمت مواد نفتی در بر می گیرد که به عبارت دیگر اگر این رقم را به حساب ادویه مورد نیاز این کشور ارزیابی کنیم ، بالغ بر قیمت ۲۶ ساله ادویه وارداتی ونزوئلا می گردد . »

برای درک هرچه بیشتر از اثر نابود سازی تجزیرات یک مثالی می آورم و آن عبارت است از نحوه تأثیر و عملکرد شکنجه بالای انسان ها : از لحاظ تکنیکی شکنجه جهت به دست آوردن معلومات از متهمان در جرایم و جنایات به خرج داده می شود، اما در حقیقت شکنجه بیشتر از این که برای به دست آوردن معلومات مؤثریت داشته باشد ، بیشتر برای نابودی ساختار جسمی و روانی آدم ها نقش ثابت و تعیین کننده را بازی می نماید و به طور مثال همین تکنیک (شکنجه) اگر به پیمانۀ بزرگ و همگانی از جانب یک کشور دیکتاتور و یا دولت مبتنی بر آپارتاید مورد استعمال قرار گیرد ، در آن صورت یک جامعه را خرد و خمیر می سازد . شیوه عملکرد و اثرمندی تجزیرات نیز شباهت به آنچه که گفته آمد دارد .

غالباً تصور چنین است که تجزیرات اسباب تغییر رژیم های سیاسی را در قبال دارد که چنین نیست ؛ در حالی که نتیجه معکوس می باشد ، یعنی که تجزیرات سبب استحکام پایه های رژیم های استبدادی در جهان می گردد و در عوض امحاء توانمندی یک بخش بزرگ جمعیت انسانی را با خود به همراه دارد .

در پایان و نتیجه گیری باید یاد آور شد که:

*برای مقابله با هیولای بزرگ تجزیرات اگر تعداد کافی کشور هائی چون بزرگترین ممالک در امریکای لاتین ، آسیای جنوبی و جهان در عرصه مناسبات بین المللی یک ائتلاف و اتحاد گسترده را مبنی بر برقراری مناسبات اقتصادی و تجارتی در میان خویش در مقابله با تجزیرات امپریالیزم ایالات متحده و سایر کشور های بزرگ سرمایه داری برقرار نمایند ، می توانند در یک هدف ستراتیژیک کوتاه مدت ، این سلاح کشنده (تجزیرات) را از سر راه شان بردارند ؛

*در یک هدف غائی و نهائی دولت های سرمایه داری خویشان را به دوستان و دشمنان صلح تقسیم نمی کنند و چنین چیزی اصلاً وجود ندارد . هر کشور امپریالیستی علاقه مند نگهداشت صلح برای خودش است ، ولو این که این صلح برای دشمنانش طاقت فرسا باشد صلح واقعاً زمانی ضمانت می شود که تمام دولت ها در یک لیگ و یا اتحاد واقعی و داینامیک دفاع از خود و دیگران متحد شوند و این بدین معنی است که صلح صرفاً زمانی می تواند ضمانت شود که هیچگونه علتی برای تخطی از آن موجود نباشد .

پایان